

اسرائیل و کشورهای عربی خلیج فارس "بازنده بزرگ" اقدام احتمالی آمریکا علیه ایران خواهند بود



تخریب‌های اقتصادی احتمالی آمریکا علیه ایران هر اندازه که شدید باشد قادر به براندازی نظام ایران نخواهند بود و کشورهای حاشیه خلیج فارس یکی از بارزترین قربانیان این استراتژی جدید آمریکا علیه ایران، آن هم از بُعد مالی و نظامی خواهند بود.

به گزارش آران نیوز: «عبدالباری عطوان» تحلیلگر برجسته جهان عرب در سرمقاله روزنامه فرامنطقه‌ای به تلاش‌های آمریکا و رژیم‌های عربی همپیمان آن برای تغییر نظام در ایران پرداخته و تأکید کرده است که بازندگان هرگونه طرح ضد ایرانی آمریکا، کشورهای حاشیه خلیج فارس و اسرائیل هستند.

عطوان در این مقاله نوشت: مهم‌ترین واکنش مقامات ایران به شروط 12 گانه آمریکایی، که «مایک پمپئو» وزیر خارجه آمریکا آنها را در چارچوب تهدیدات تحریک‌آمیزش مطرح کرد، از زبان «حسن روحانی» رئیس‌جمهوری این کشور بیان شد که خطاب به آمریکایی‌ها گفت: «شما چه کسانی هستید که می‌خواهید برای ایران و جهان تصمیم بگیرید.» مطرح شدن چنین واکنشی از زبان رئیس‌جمهور «اصلاح‌طلب»، و با این درجه از قدرت و کوچک شمردن آمریکا و تهدیداتش، گواه این است که تمامی ایران، میانه‌روها پیش از تندروها- به تعبیر نویسنده- در خندق واحد در رویارویی با هر گونه تجاوز آمریکا، چه محاصره اقتصادی برای گرسنه کردن و چه حمله نظامی، خواهند ایستاد.

آقای «اسحاق جهانگیری» معاون رئیس‌جمهوری ایران بر حق بود زمانی که گفت: «وزیر خارجه ترامپ ۴ سال از زمان عقب است؛ ملت ایران انقلاب کرد تا کسی نتواند به آنها دیکته کند که چه کاری را انجام دهد و چه کاری را انجام ندهد.» مشاهده کردیم که برخی از برادران در حاشیه خلیج فارس واکنش ایران به تهدیدهای آمریکایی به ویژه واکنش رئیس‌جمهوری این کشور به تهدیدات آمریکایی را به سخره گرفتند و در پیام‌های توییتری و واکنش‌های‌شان در شبکه‌های اجتماعی، همین عبارت را از زبان «معمر قذافی» رهبر معدوم لیبی یادآوری کردند. اما آنها این موضوع را فراموش کردند که «شما چه کاره هستید ایرانی!» با «شما چه کاره هستی قذافی!» به دلایلی بسیار فرق می‌کند که بارزترین این دلایل این است که ایران امروز مانند لیبی منزوی و محاصره شده توسط عرب‌ها نیست که ارتش و همپیمانانی قوی نیز ندارد.

لیبی سرهنگ قذافی ادوات انتقام، توان واکنش نظامی را در اختیار نداشت؛ این کشور سلاح‌های شیمیایی خود را به آمریکا تحویل داد، برنامه هسته‌ای خود را از بین برد و داوطلبانه دار و ندار خود را به «تونی بلر» نخست‌وزیر اسبق انگلیس و فریبکار بزرگ تقدیم کرد و افزون بر این، فلسطین اشغالی به طور کلی دور از تیر رسش بود. در حالی‌که اوضاع ایران به دلایل ذیل کاملاً متفاوت است:

نخست: ایران دارای زرادخانه نظامی بسیار بزرگی حاوی بیش از 400 هزار موشک مختلف با حجم‌ها و ابعاد مختلف و نیز ارتشی قوی است که در دو جنگ کلاسیک و چریکی مهارت دارد. همچنین ایران مجهز به زیردریایی‌ها و قایق‌های نظامی سریع السیر و رادار گریز است و به ادعای نویسنده- سلاح شیمیایی و چه بسا هسته‌ای اولیه دارد و دارای ارتشی بزرگ، سخت‌گیر و تشنه شهادت است.

دوم: شاید ایران موشک‌های دوربردی، که کره‌شمالی در اختیار دارد و قادر به هدف قرار دادن عمق آمریکا است، را در اختیار نداشته باشد ولی به اندازه کافی موشک دارد که به همپیمانان آمریکا و پایگاه‌هایش در منطقه برسند. ما در اینجا درباره اول اسرائیل و ثانیاً پایگاه‌های آمریکایی در کشورهای حاشیه خلیج فارس سخن می‌گوییم.

سوم: دیگر تهدیدهای آمریکایی احتمالاً ایران را مجاب کند که حضورش در سوریه را، که پتانسیل تبدیل شدن به میدانی برای رویارویی با رژیم اسرائیل را دارد، حتی اگر مسکو به این حضور اعتراض کند، تقویت کند که در چنین وضعیتی ایران می‌تواند به «حیفا»، «تل‌آویو»، «یافا»، «عکا»، «صفا» و قدس اشغالی برسد.

چهارم: ایران گروه‌های «شبه نظامی»- به ادعای نویسنده- در اختیار دارد که ارتش‌های موازی هستند مانند سپاه پاسداران در ایران، «حزب‌الله» در لبنان، «انصارالله» در یمن، «الحشد الشعبی» در عراق و «حماس» در اراضی اشغالی. این بازوهای نظامی با هم یا جدا از هم می‌توانند به بازوهای کوبنده برای بر هم زدن ثبات و امنیت فلسطین اشغالی و بیشتر کشورهای حاشیه خلیج فارس تبدیل شوند؛ کشورهایی که به سرعت از استراتژی جدید آمریکا علیه ایران استقبال کردند.

تخریب‌های اقتصادی، که انتظار می‌رود آمریکا علیه ایران وضع کند، به هر اندازه که شدید باشند قادر به براندازی نظام ایران نخواهند بود و بعید است که این تخریب‌ها بتواند ملت ایران یا اقلیت‌های قومی در این کشور را برای تغییر نظام وادار سازد. قوی‌ترین برگ برنده سیاسی، که ایران در کنار برگه برنده‌های نظامی در اختیار دارد، این است که ایران طرفی نیست که تنش‌آفرینی را آغاز می‌کند و از توافق هسته‌ای خارج نشد و بلکه بیشتر کشورهای جهان به این کشور به عنوان «قربانی» هدف قرار گرفته از سوی استکبار و سلطه آمریکایی‌ها، نگاه می‌کنند و قاعدتا این، دلیل نگرانی کنونی در سطح جهان و به ویژه اروپا به عنوان همپیمان مورد اعتماد آمریکا را تفسیر می‌کند.

ولت آمریکا عزم خود را برای بازگرداندن تحریم‌هایی که قبل از توافق هسته‌ای علیه ایران اعمال کرده بود، جزم کرده است، امری که زیان بزرگی به منافع همپیمانان اروپایی آمریکا، در سایه تهدید شرکت‌های آنها برای جلوگیری از ورود به بازارهای آمریکایی

در صورت ادامه تعامل‌شان با ایران، وارد می‌سازد، از سوی دیگر، همین مساله باعث خواهد شد که شرکت‌های چینی و روسی هر گونه خلأ ناشی از خروج این شرکت‌ها از ایران را پر کنند و این مورد، سخنان خانم «فدریکا موگرینی» مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا را تفسیر می‌کند که از تهدیدهای آمریکا به شدت انتقاد کرد و متذکر شد که هیچ جایگزینی برای توافق هسته‌ای وجود ندارد.

اگر آمریکا وارد جنگ نظامی یا اقتصادی علیه ایران شود این اقدام را برای حمایت از کشورهای حوزه خلیج فارس انجام نمی‌دهد بلکه هدف از آن، حمایت از اسرائیل و پروژه هژمونی آن در منطقه و از بین بردن هر گونه رقیبی برای این رژیم است.

تحریم‌های اقتصادی، که انتظار می‌رود آمریکا علیه ایران وضع کند، به هر اندازه که شدید باشند قادر به براندازی نظام ایران نخواهند بود و بعید است که این تحریم‌ها بتواند ملت ایران یا اقلیت‌های قومی در این کشور را برای تغییر نظام وادار سازد؛ زیرا این ملت از انقلاب‌های بهار عربی، که بیشترشان از طرف آمریکا و همپیمانانش حمایت می‌شدند و ویرانی این انقلاب‌ها که برای ملت‌های این کشورها به بار آورد، درس گرفته است. همچنان‌که دولت ایران از تجربه‌های لیبی و عراق و آنچه بر سر آنها آمده است درس گرفته‌اند به‌خصوص آن زمان که این کشورها در دام فریب غربی‌ها افتادند و سلاح‌های شیمیایی خود را تحویل دادند و با بازرسی بین‌المللی و شروط تحقیرآمیز آن موافقت کردند.

موضوع دردناک برای ما این است که کشورهای حاشیه خلیج فارس، که شاهد رونق مالی و رونق در بخش مسکن هستند و از ثبات امنیتی و سیاسی برخوردارند، یکی از بارزترین قربانیان این استراتژی جدید آمریکا علیه ایران، آن هم از بُعد مالی و نظامی، خواهند بود؛ چرا که «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهوری آمریکا از آنها خواهد خواست که فاکتور هزینه جنگ را بپردازند جنگی که او بارها اعلام کرده است با هدف حمایت از آنها به راه می‌افتد.

افزون بر این، مهم‌ترین مسئله این است که موشک‌های ایرانی شهرها و پایگاه‌های نظامی آمریکا در اراضی این کشورها را هدف قرار خواهد داد. به این معنا که اگر قرار است ایران ویران شود کشورهای حاشیه خلیج فارس که در سنگر مقابل قرار دارند از این ویرانی در امان نخواهند بود. هر کسی هم غیر از این را بگوید آمریکا را نمی‌شناسد و از تاریخ جنگ در منطقه و جهان نیز آگاهی ندارد.

اگر آمریکا وارد جنگ نظامی یا اقتصادی علیه ایران شود این اقدام را برای حمایت از کشورهای حوزه خلیج فارس انجام نمی‌دهد بلکه هدف از آن، حمایت از اسرائیل و پروژه هژمونی آن در منطقه و از بین بردن هر گونه رقیبی برای این رژیم است. ایجاد ارتباط میان منافع کشورهای حوزه خلیج فارس و منافع اسرائیل تنها به این منظور است که استفاده از دارایی‌ها و اراضی کشورهای حاشیه خلیج فارس در خدمت هر گونه جنگ آمریکایی را توجیه کند.

اسرائیل است که شروط دوازده‌گانه پمپئو علیه ایران را تدوین کرده است و همین اسرائیل است که می‌خواهد قدرت نظامی بزرگ آمریکا علیه ایران به ادعای خنثی کردن تهدید این کشور، وارد عمل شود.

فقط، برای یادآوری این مطلب را می‌گویم که کوبا برای مدت بیش از 50 سال با محاصره آمریکا مواجه بود در حالی‌که در برابر آن خم نشد و نظامش به رغم فشارهای شدید تغییر نکرد. نوار غزه نیز، که مساحتش بیشتر از 150 مایل مربع نیست با محاصره و 3 جنگ روبه‌رو شده است در حالی‌که سلاح مقاومتش را زمین نگذاشته است. اگر جزیره کوچکی با جمعیتی اندک و تاریخی مختصر توانست ایستادگی و مقاومت کند، پس اوضاع قدرت بزرگ منطقه‌ای، مانند ایران که میراث تمدنی بیش از 8 هزار ساله دارد، چگونه خواهد بود؟

آمریکا در آستانه مرتکب شدن حماقت سیاسی و نظامی بزرگی در منطقه عربی است که نتایج آن، این بار هرگز تضمین شده نیست و یقین داریم که اسرائیل و برخی از کشورهای حوزه خلیج فارس بهای گزاف آن را چه از لحاظ مالی، امنیت، ثبات و رفاه، پرداخت خواهند کرد.